

## هنر دوره تیموری و کمال الدین بهزاد

اخیراً از طرف آکادمی علوم جمهوری ازبکستان از آقای رکن الدین همایونفرخ دعوتی بعمل آمده بود که در سمپوزیوم علمی بین المللی یونسکو که بمنظور بررسی و پژوهش هنر و علوم دوره تیموری برگزار می گردید شرکت کنند و ایشان برای این سمپوزیوم مقاله تحقیقی تنظیم و ارسال داشتند که ذیلا ملاحظه میفرمائید .

معرفی یکی از هنرمندان گرانقدر و نگارگران چیره دست گمنام دوره تیموری وهم چنین بازشناخت يك اثر ارزنده ونفیس ومنحصربفرد از آن دوران که وقایع سیاسی واجتماعی واقصدادی دوران سلطنت سلطان ابوسعید بهادرخان را تا اواخر سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا در بردارد .

\* \* \*

بطور خلاصه ومختصر باید گفت که : هنر نگارگری دوران تیموری که به مکتب هرات نام آور گردیده در واقع وارث هنر دو مکتب برجسته وبرگزیده نگارگری تبریز (که به غلط واشتباه آن را مکتب بغداد هم خوانده اند) ومکتب شیراز بوده است .

هنر نگارگری در زمان ساهانیان وسپس غزنویان وسلجوقیان راه کمال وترقی میبیمود تا هجوم چنگیز خان - پس از چنگیز خان ایلیخانیان ایران توجه خاص به هنر نگارگری مبذول داشتند وهنروران ونگارگران ایران که از هنرشان استقبال میشد به خلق آثار هنری ارزنده ای دست یازیدند .

هنر نگارگری مؤثر بوده‌اند و آثار با زمانه از این دوران نشان می‌دهد که هنر نگارگری در این زمان در حد اعلای زیبایی و کمال بوده است .  
نسخه‌ای از جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله (۱) که تحریر و نگارگری آن مدت هفت سال (۷۰۷۲ - ۷۱۴ هـ . ق) بطول انجامیده و نگاره‌های آن اثر نگارگر چیره دست آن دوران احمد موسی است بهترین مؤید و گواه این نظراست .

هم‌چنین نسخه‌ایست از کتاب منافع الحیوان تألیف بختیشوع که دارای ۹۴ صورت است و آن را به دستور غازان خان تهیه و ترسیم کرده‌اند (۲)  
از دوران اینچوها و مظفری‌ها میتوان از نگارگر شهیر آقامحمد نقاش یاد کرد و آثار او را میتوان در شاهنامه ای که برای خواجه قوام‌الدین حسن وزیر تهیه شده است دید. در این شاهنامه پنج مجلس وجود دارد که صحنه جنگ سیاوش آن از نظر هنر نگارگری و طراحی و حرکت خطوط برجستگی خاصی دارد و استاد محمد نقاش در هم آهنگی رنگ‌ها با موضوع مجالسی که نقاشی کرده هنر بدیع و نوظهوری پدید آورده است .

دیگر نسخه‌ایست از خمسه نظامی که به سال ۸۰۱ تهیه شده و درموزه هنرهای اسلامی ترکیه نگاهداری میشود و نقاشی‌های آن اثر استاد عبدالحی تبریزی است .

ایلکانیان که در تبریز و بغداد سلطنت می‌کردند گذشته از این که پادشاهان خود از نگارگری و خوشنویسان و مذهبان چیره دست بودند (۳) هنرمندانی نیز پرورش دادند که در تاریخ هنر نگارگری نقش برجسته و بزرگی ایفا کرده‌اند .

۱ - این اثر نفیس اینک در کتابخانه پادشاهی آسیایی لندن نگاهداری از آن میشود .

۲ - این نسخه نیز درموزه متروپولیتن مضبوط است.

۳ - همچون سلطان اویس و پسرش سلطان احمد که شرح مآثر و هنرشان

سلطان جنید نگارگر یکی از چهره نگاران چیره دست است که آثار او در پیدایش و تکامل مکتب هنری هرات (دوره تیموری) اثری به سزا گذاشته است هم چنین مولانا شمس الدین تبریزی که موفق به ترسیم مجالسی در شاهنامه شده طی مدت ده سال ۵۵ صحنه از مجالس آن را نقاشی کرده (از سال ۸۰۲ - ۸۱۲) این اثر نفیس نخستین بار توسط آقای دموت شناخته شد و اینک مینیاتورهای نفیس آن متأسفانه میان چند موزه از جمله موزه متروپولیتن موزه لوور - موزه فیت ویلیام کامبریج تقسیم شده است .

از بانیان مکتب نخست تبریز (۷۷۰ - ۹۰۰) باید از میرعلی تبریزی یاد کرد. میرعلی تبریزی یکی از بزرگترین هنرمندان و هنروران این دوران است که توانست نقاشی و هنر نگارگری را به اوج ترقی و اعتلا برساند .

میرعلی تبریزی همان هنرآفرینی است که خط زیبای نستعلیق را ابداع کرد و او کسی است که در هنر مینیاتور بنیان گذار مکتبی است که اساس و پایه مکتب هرات (دوران شاهرخ) قرار گرفت . اثر برجسته‌ای که از او در دست است چهره نگاری‌های مثنوی‌های و همایون خواجوی کرمانی است (۱) هنر میرعلی تبریزی در نقاشی‌های کنایی هنر تاب و دور از هر گونه غل و غش و تقلید است. طرح‌های او در صحنه‌آرایی ابتکاری و خود ساخته است و در انتخاب و هم آهنگی رنگ‌ها با موضوع‌هایی که به طرح و نقش آن دست یازیده است راه و روشی پدید آورده که برای نگارگران دوران بعد الگو و سرمشق شده است.

با این سابقه و زمینه مکتب هرات دوره تیموری پایه گذاری شده است .

باید گفت توجه فوق‌العاده امیر تیمور به هنر زیبا نویسی موجب شد که فرزندان او به خصوص شاهرخ بهادر خان بآن هنر دلبستگی خاصی پیدا کنند و در نتیجه فرزندان شاهرخ هم مانند بایسنقر میرزا و الخ بیگ نیز در اثر توجه پدرشان از گاه کودکی به خوشنویسی مأنوس و آشنا شوند تا آنجا که بایسنقر

میرزا درخط نویسی ثلث اذیر گزیدگان و مشاهیر زیبا نویسان گردید .  
توجه شاهرخ به زیبا نویسی موجب شد که خوشنویسان بنامی درعهد او  
طلوع و ظهور کنند همانند: عبدالله طباطبائی - یحیی سبک نیشابوری - نورالدین  
کمال ماوراء النهری - عبدالله کاتب هروی و پیر محمد صوفی مروی و یحیی  
صوفی و سرآمد همه خوشنویسان و هنروران میرزا علی تبریزی .

توجه به زیبا نویسی موجب ترقی هنرهای دیگر کتاب گردید و همین  
زمان است که بایسنقر میرزا درهرات کارخانه کتاب سازی را برای کتاب  
فراهم آورد و در آن خوش نویسان و نگارگران و مذهبیان ووراقان - صحافان  
جلدسازان و صاقان و حل کاران و زرافشانان و کاغذسازان را بکارگماشت و بدایع  
هنری را بوجود آورد .

این نکته قابل توجه است که تا زمان شاهرخ میرزا برای کتاب نویسی  
و کتاب سازی دارالصنایع و کارخانه مستقل و کامل بنیاد نیافته بود ، بنیان  
گذار یک چنین دستگاه نخستین بار شاهرخ بهادرخان بوده است .

بی شایبه تکلف و بدون مداهنه و تعارف باید پذیرفت که ایجاد چنان دار-  
الصنایع عظیم و گرانقدری موجب پیدایش هنروران ارزنده و بنام و بیمانند  
در هنر کتاب سازی و هنرهای زیبای جهان گردیده است .

آثار بدیع و بی مانندی که در این دارالصنایع بوجود آمده خوشبختانه  
نمونه های برجسته آن در دست است و میتواند گواهی صادق و وثائق از هنر پروری  
شاهزادگان تیموری در هنر نگارگری و کتاب سازی باشد . بزرگترین شاهکار  
این دارالصنایع شاهنامه فردوسی بایسنقری است که اینک در کتابخانه سلطنتی  
ایران محفوظ است و آن را باید مجموعه کاملی از هنر کتاب سازی جهان  
دانست . خط آنرا جعفر بایسنقری نوشته و تذهیب آنرا مذهبیان دارالصنایع  
شاهرخی تحت نظر و تعلیم سیف الدین نقاش ساخته و پرداخته اند .

همچنین در کتابخانه جامع اسلامبول دو نسخه نفیس از دوران بایسنقر  
و دارالصنایع او هست یکی کتاب فرج بعد از شدت و دیگری نزهت الارواح امیر  
حسینی هروی که این دو اثر از نظر در برداشتن هنرهای تزئینی کتاب در

خوند میردرحبیب السیر در این باره مینویسد :

« . . . بایستقر به مجالست ارباب علم و کمال به غایت راغب و مایل بود و در تعلیم و تبجیل اصحاب فضل و هنر و در هیچ وقتی از اوقات اهمال و اغفال نمی نمود و خردمندان کامل از اطراف و اکناف ایران و توران به هرات آمده و در آستان مکرمت آشیانش مجامع گردید . . . و هر کس را از خوشنویسان و مصوران و نقاشان و مجلدان در کار خویش ترقی میکرد به همگی همت به حالش می پرداخت . . . »

با توجه باین مقدمه مختصس باید گفت :

هنر نگارگری و تزئینی دوران تیموری از زمان شاهرخ بهسادرخان پی ریزی شد و در زمان سلطان حسین میرزا بایقرا با توجه خاص وزیر دانشمند امیر علیشیر نوایی به اوج کمال و جلال رسید ؛ در باره دارالصنایع سلطان حسین میرزا بایقرا اگر بخواهیم بحثی کنیم خود کتابی را شامل میگردد ؛ برای باز شناخت هنر نگارگری در این زمان و دوران کافی است بنوشته میر خوند در خلاصه الاخبار توجه کنیم در آنجا مینویسد ؛ (۱)

« . . . ذات کامله الصفات عالیحضرت خداوندی را برطبق کلمه خلقنا الانسان فی احسن التعمیم مظهر جمیع اوصاف و کمال ساخت (منظور امیر علیشیر نوایی است) لاجرم آن حضرت را در اکثر اصناف هنر و قوفی تصام است و بتخصیص فن تذهیب و تصویر که بی شایبه تکلف و عایله تصنف در آن علم سر آمد اهل قلم است بلکه اکثر نقاشان زمان و مهندسان دوران بواسطه تربیت و تعلیم آن حضرت این فن را آموخته اند و در اطراف عالم به بی مثلی مثل شده اند از جمله خواجه میرک نقاش است که با وجود مهارت در فن تذهیب و تصویر در علم کتابه نویسی نیز شبیه و نظیر ندارد بلکه خطوط کتابه نویسان ما تقدم را نیز منسوخ گردانیده و به عین التفات و مرحمت امیر بحر مکرمت اناولا غیر به اوج سپهر برین رسانیده . . . »

مولانا حاجی محمد نقاش در انواع فنون و اصناف علوم مهارت تام دارد و بیوسنه نقش خیالات غریبه و صور امور عجیبه بر لوح خاطر مینگارد در شهر

سنه اربع وتسعمائه به ملازمت شاهزاده بدیع الزمان شتافته و در قبه الاسلام بلخ روزگار میگذراند، دیگر مولانا محمداصفهانی و دیگر استاد بهزاد است . استاد کمال الدین بهزاد کامل ترین مصوران دوران است ، بلکه این کار را به نهایت کمال رسانیده مدتی در ظل تربیت امیر هدایت منقبت بطرفه کاری مشغول بود اما حالا در ملازمت صاحبقران عالی منزلت به سر میبرد . استاد قاسم علی چهره گشا زبده مصوران روزگار و قدوه نقاشان شیرین کار است این فن را در کتابخانه امیر هدایت انتما بدست آورده است و به سبب تعلیم آن حضرت گوی سبقت از امثال و اقران ر بوده و پیوسته در ملازمت بندگانش کمر خدمت بسته و همواره از کثرت انعام و احسانش در مقام فراغت و رفاهیت نشستند پوشیده نماند که اگر تمامی نقاشان که در ملازمت عالی حضرت خداوندی بوده اند در این اوراق مذکور افتد مطالعه کنندگان را قم حروف را به دراز نفسی منسوب دارند : ...

چنانکه از نوشته میر خوند که خود معاصر سلطان حسین میرزا بوده است بر می آید هنرمندان بسیاری در دستگاه هنر آفرین امیر علی شیر نوائی و سلطان حسین میرزا با یقرا تعلیم و تربیت می یافته اند که او به ذکر تنی چند محدود از آنان پرداخته و بدیهی است جز آنچه را او یاد کرده گروه کثیر دیگری هم بوده اند از جمله : سلطان محمد - حیدر علی - مانی - مظفر علی - آقا میر اصفهانی (آقا میرک خرد) و سر آمد همه هنروران دوران سلطان حسین میرزا با یقرا ، مولانا ناصر الدین منصور مصور بوده است که متأسفانه شناسانده نشده و مجهول القدر باقی مانده است که اینک در این مختصر به معرفی او میپردازیم .

چنانکه خواهیم گفت مولانا ناصر الدین منصور مصور استاد کمال الدین بهزاد در مکتب او پرورش یافته بوده است .

آنچه ما را به تاریخ حیات زندگی هنری استاد ناصر الدین منصور مصور رهبر است نوشته های کتاب منشاء الانشاء است (در پایان این مقاله به معرفی این اثر منحصر بفرد و بی نظیر خواهیم پرداخت) .

در کتاب منشاء الانشاء در مورد به نام استاد ناصر الدین منصور مصور

دارالصنایع هنری سلطان حسین میرزا بایقرا) بنام نامی اوست و دیگری در مورد تحسین و تعریف و تمجید و ستایش از يك اثر نفیس و بی نظیر هنری او که بنام کتاب حمامه نامه (کبوتر نامه) شناسانده شده است .

بر اساس مفاد نشان (فرمان) موجود در کتاب منشاء الانشاء که بقلم منشی و نویسنده تحریر و عالیقدر دوره تیموری « نظام الدین عبدالواسع نظامی » تحریر یافته : استاد ناصرالدین منصور منصور نخستین کسی است که بمقام کلاتری هنروران و مصوران و مذهبیان دارالصنایع دربار سلطان حسین میرزا بایقرا برگزیده شده بوده است .

بجا میداند نخست به نقل اصل نشان (فرمان) مذکور از کتاب فوق - الاشعار بپردازد و سپس در مورد مطالب آن و آنچه را استنتاج و استدراک کرده در معرض اطلاع و استحضار دانش پژوهان قرار بدهد .

بمنظور ضبط و ثبت در تاریخ دوره هنری تیموری اینک به عین نقل نشان مذکور از کتاب منشاء الانشاء میپردازد .

... چون حضرت مصور نقش خانه ملکوت به خانه تقدیر رقم تصویب رب السموات والارض بر سقف طربخانه مستدر جهان بی شبهه ولا نظیر ثبت فرمود و بقلم ابداع صورت فتبارك الله احسن الخالقین بر کتابه ایوان کیهان تحریر کرده اند : انه علمی مایشاً قدیر لوجه لوحه چهره پردازی او میتواند به مقتضی « صور کم فاحسن صور کم » در صورت خانه ایجاد که جامع بدایع و صنایع فیکون و غاریب آثار گوناگون است اصناف صور شریف و آلف اشکال لطیف به الوان خیال بر صفحه ایام و لیالی نگاشته و انواع ریاحین و ازهار که در باغ هر گلسی به رنگ دیگر است بر صحیفه اراضی و اشجار تربیت نموده که هو الذی صور کم فی الارحام کیف یشأ شمسه شرفه او سزد در آینه به حکم ، ان فی خلق السموات والارض واخلاف - اللیل والنهار .

هر نقش که بر تخته هستی پیدا است

آن صورت آن کس است که نقش خداست

دریای کهن چو بر زند موجی نو  
 موجش خوانند و در حقیقت دریاست  
 لاجرم به استخوان بندی و تصویر هنرمندی و تشویر دیبای رفعت و  
 لباس مکتب که به دست یاری خیاط تیغ و احتیاط نقوش دل پذیر بافته باشد  
 برقدو صورتی که آراسته و پیراسته شود مقصود آنست که مصدوقه رنگ آمیزی  
 بر او طرح بندد و صاحب فطنت از ملاحظه صورت به مشاهده جمال با کمال مصور  
 منزله از صورت راه برد .

مصور ازل از روح صورتی می خواست

مثال قد تو را بر کشید آمد راست

و بی شبهه :

این همه نقش عجب بردو دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بردیوار  
 حمد الله تعالی که طرخ سلطنت به اندازه نقشبندی ما ساخته و پرداخته  
 اوست و در گنبد لاجوردی بدیع پیکر فیروز: منظر انازینا السماء و دردیوان  
 زنگاری زنگاری جنب سماً سبز لوای علم سرخ فلک سای کالشمش فی افق السماء  
 به هر رنگ که بر می آید نقشی است که از خامه تقدیر عیان است .  
 و چون صورت آلائی نامتناهی از متون سفیدی و سیاهی ایام ولیالی بر -  
 صفحه ظهور انتقاش پذیرد هر آینه رعایت جانب هنر بر ذمه اصحاب بر سر که:  
 مصرع: رسمی است قدیم و عادتی معهود است .

از فرایض و واجبات سلاطین بدیع الشان رفیع المکان و اولوازم مآثر رضیه  
 خواقین ماضیه خواهد بود بنا بر این افتخار المصویرین مولانا ناصرالدین  
 منصور مصور که به تصویر نقشبندی خامه لطایف نگار غریب آثار در صورتخانه  
 بر ارباب تذهیب و تصویر ید بیضا نموده و به تحریر و تصویر هنرمندی در هروله  
 خیال از ارباب کمال دست برده و آنچه در کار تقدیر رقم تصویر نوشته اند  
 از بدایع نقوش و صنایع رقوم که نقد بند خیال تکلف رایگی از هزار اسم تواند  
 بود و در طربخانه طرایف و لطایف از لوح ضمیر بصورتی که لیس کمثله شیشی از  
 قوت به فعل آورده و چون در کارخانه غیب آن صورت بدایع خبر از کلک قابلیت  
 و استعداد او متصور نیست هر آینه بر اقران در تصویر منصور و بی نظیر آمده .

همه در جستجوی صورت و مادر پی معنی

همه حیران این نقشند و ماجویای نقاشیم